

پایه استوار تمدن

تمدن چیست ؟ - پایه استوار تمدن در اسلام -
خدائیکه اسلام معرفی میکند - تقریباً پیر و ردگار
را چگونه معنی کنیم ؟

اکنون که درست بیحث اساسی خود رسیده ایم و باید صفحه بصفحه ، پدیده های
کونا کون تمدن اسلامی را مطالعه کرده و پیشرفت ها و جلوات عالی اسلامی را ، در طی قرون
از نظر تاریخی ، مورد بررسی قرار دهیم ، ناگزیریم که قبلاً بحث مهمتری را عنوان کرده
و ملاحظه کنیم که آیا اساساً تمدن چیست و اسلام چه طرحی برای بوجود آوردن یک تمدن
ریخته است ؟ و پایه و ریشه تمدن اسلامی را در چه موادی میتوان پیدا کرد ؟ و بالاخره سرچشمه
این فرهنگ درخشان در کجا است ؟ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تمدن یعنی چه ؟

چنانکه میدانیم خاصیت فطری و طبیعی دستگاه خلقت ، حرکت بسوی کمال است
بشر هم از این قانون مستثنی نیست ، یعنی او هم برای سیر بکمال آفریده شده است ، منتهی
در وی استعداد ترقی و تکامل را گذارده اند ، تا وی خود باراده و اختیار در این راه بکوشد
و تلاش کند و بقصد برسد .

مظاهر و پدیده های کمال بشری را میتوان به «تمدن» ترجمه کرد و عبارت دیگر:
میتوان تمدن را در سعادت همه جانبه و نمود کمالات انسانی ملاحظه نمود .

مردمیکه گرد هم جمع شدند ، و بر اساس تعاون و همکاری زندگی خود را شروع کردند
و با تلاش دائم از ثروت طبیعی و خداداد خود که بصورت آب و زمین و مواد خام در زیر پای
آنان وجود دارد ، بهره برداری کردند .

ساختمانهای محکم، شهرهای آباد؛ وسائل و ابزار خوب، صنایع ظریف و سنگین، همه چیز و همه چیز بوجود آورنده استعدادهای مختلف را بکار انداختند، و نیروهای طبیعت را استخدام کردند، خوب فکر کردند، خوب فهمیدند، خوب گفتند و خوب نوشتند، و از نتیجه فهم و درک خود، خوب هم بهره بردند.

بحقائق عالی جهان هستی، خدا و معاد و کلیه برنامه‌های جاودانی سعادت رسیدند و عقیده داشتند.

مفهوم تجاوز از هر نوع از بین آنان رخت بر بست، تجاوز بحقوق یکدیگر، باموال؛ نوامیس و آبروی هم نکردند. مردمی معتدل، پاک، خیرخواه، امین؛ شرافتمند و مترقی بودند.

پلیدیها و انحرافات فکری و عملی و آنچه که سد سعادت و مانع سیر صعودی آنان است ریشه کن شد، اینچنین مردمی را میتوان بمعنی واقعی کلمه «تمدن» نامید، چه آنان در کلیه عناصر تمدن: دین، فکر، دانش، صنایع؛ حکومت؛ ادبیات، هنر و اخلاق بنحو صحیح پیش رفتند و بزنگی خوب هم رسیده‌اند.



پایه استوار تمدن در اسلام

اکنون تاحدی معنی تمدن را دانستیم و اینک نوبت آن رسیده که اساسیترین طرح اسلام را برای تمدن بررسی کنیم: اسلام قبل از هر چیز پیروان خود، خدائی را معرفی میکند، که منبع همه نیروها و دانشها و کمالات است همه چیز از او سرچشمه گرفته و در اختیار و اراده کامل اوست، بهمه چیز سلطه قاهرانه دارد.

تمام مظاهر و نیروهای جهان هستی با او با برجا است؛ در آسمان و زمین هیچ چیز از حیطه علم و احاطه اش بیرون نیست. در آفرینش و قدرت، احاطه؛ سرپرستی و قیومیت خود شریک و همکار ندارد در وجودش ضعف؛ نقص، تغیر و زوال راه ندارد. برایش ابتدا و انتهای نمیتوان تصور کرد. قدرن مطلق، علم مطلق، غنای مطلق است. دامنه کمالاتش از شعاع بلند پرواز فکر انسانی، بینهایت مرتبه؛ و وسیعتر است. . . .

یک فرد مسلمان وظیفه دارد، بچنین خدائی معتقد باشد؛ وی را بشناسد و باو ایمان داشته باشد و بدنبال این معرفت و ایمان خود، بسوی این خدا حرکت کرده و تمام هدفش «قرب» پیرو دگار باشد.

گمان میکنم در همینجا بزرگترین راز و سرچشمه تمدن عالی انسانی را پیدا کردیم . چه اصلاً تصور يك قدرت بینهایت ، علم عظیم ، اراده کامل ، تاچه حد امانه فکر بشر را توسعه میدهد و يك موجود خاکی را تا دور دستترین سرمایه عظیم هستی متوجه میکند . این بال و پر بقدری قوی است ، و این هدف تا آن اندازه عالی ؛ که پیدایش این عقیده در يك روح مستعد ، آنچنان انفجاری ایجاد میکند که تمام دریچه های سعادت و کمال را برویش باز مینماید .

مسلمان اولین وظیفه اش شناختن این پهنهٔ بیکران توانایی و علم و کمال است . و دومین وظیفه اش حرکت و کوچ بسوی این منبع سرشار خوبی و سعادت است . درجات خوبی مسلمان را ، از دریچهٔ مراتب قرب وی بخدا میتوان مطالعه کرد . بهر اندازه که مقررتر شد ، دلیل بر آن است که تأثیر حقیقت اسلام در اعماق روح و کمون دلش بیشتر است کی بخدا نزدیک میشویم ؛ وقتی سرچشمهٔ علم و توانایی و عدل و رحمت نزدیک شویم . هر قدمی که در راه دانستن و کشف اسرار طبیعت برداریم ، قدمی است که در راه «قرب» بعلم مطلق برداشته ایم ؛ هر چه بیشتر توانستیم بر نیروهای جهان مسلط شویم . و بر قدرتهای نهفته این عالم پیروز شویم ، برای قرب به قدرت مطلق گام برداشته ایم . در محیطیکه ظلمها کوبانده شد ؛ و جلو تجاوزات زور مندان گرفته شد ؛ همه در پناه عدالت واقعی بحقوق حقهٔ خود رسیدند ، این محیط بر چشمهٔ عدل « و خدای دادگستر » نزدیک شده و ب مقام «قرب» رسیده است .

جامعه ای که تمام افرادش از مواهب طبیعی و سرمایه های حیات بهره مند شدند و بضعیف و قوی و کوچک و بزرگ بیک چشم نگریست ؛ و برای دفع نیازمندیهای زندگی افراد ، تلاش بیشتری کرد ، و توانست همه را بخوبی بهره مند سازد ؛ این جامعه قدم در راه «قرب» به «فیاض مطلق» برداشته است . . . و همچنین بهر خبری که میرسد قدمی در راه قرب برداشته است

خلاصه اسلام میگوید : خدا را بشناسید ، صفات و کمالات خدا را بدانید و جمال و جلال حقیقی داد بیاید و بسوی او ، یعنی برای بهره مندی و بدست آوردن هر چه بیشتر از کمالات و خوبیها قدم بردارید .

بنظر میرسد ، تنها همین يك جمله برای همه گونه سعادت و ترقی يك ملت پایهٔ استوار و دستور العمل عظیمی باشد .

ملتیکه سرمایه های فکری خود را خفه میکند ، منابع سرشار و نیرو های عظیم

نهفته طبیعت راز پر با گذارده، دست بتسخیر و استفاده از آن نیززند، نمیداند؛ نمیتواند، ندارد، خوب زندگی نمیکند، بار میبرد، توسری میخورد، عیاش و هرزه و هوسباز است، راز حیات و سر وجود را نفهمیده است.

دربای عظیم قدرت و فیض الهی را نادیده گرفته است؛ خود را شناخته است، مفهوم زندگی را نفهمیده است، حقائق و مقدسات الهی را که از دریچه وحی برایش بیان شده است، بیازبچه گرفته است، قطعاً اینملت از خدادورند، و در اولین قدم اساسی اسلام امانده اند و بهیچوجه نمیتوانند دعوی قرب بحق کنند، چه مفر متحجر، فکر تارک و منحرف، باذوی ضعیف، آلودگی و انحراف، گدائی و احتیاج بیگانه، با قرب سرچشمه فیض و نور و غنی و توانائی رابطه ای ندارد.

و بالاخره اگر مردمی خدارا بر استی شناختند؛ بسوی این هدف عالی پیش تاختند، به شرافتها و سعادتها رسیده اند و تمدن و فرهنگ بمعنای واقعی را بدست آورده اند و شاید بتوان تمام راز پیشروی و عظمت گذشته مسلمین را در این دو کلمه جستجو کرد: ایمان بخدا و سیر الی الله.



تاکنون ریشه اساسی تمدن را شناختیم و از این ببعده باید بتفصیل نظر اسلام را درباره حقیقت معنای حیات - مبارزه - علم - آبادی - کار - استفاده از منابع طبیعت - توسعه حکومت و غیره بدانیم تا بخوبی بر از تمدن و تکیه گاه فرهنگ اسلامی پی ببریم.

یادآوری لازم

در شماره گذشته شرحی تحت عنوان « يك مجموعه نفیسی » درباره دوره سال اول و سال دوم مجله که هر کدام در يك جلد زرکوب زیبا جمع آوری شده و در دفتر مجله در اختیار علاقه مندان قرار دارد، نگاشته بودیم، ولی در تعیین قیمت آن اشتباهی رخ داده بود که باین وسیله اصلاح میشود:

	قیمت دوره سال اول برای عموم	۱۴۰	ریال
>	>	>	>
>	>	۱۵۰	ریال